

مدل ساختاری نقش واسطه‌ای تنظیم هیجانی در رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و فرسودگی شغلی پرستاران

پروین حسامی^۱، نسرین بنکداری^۲، افسانه مرادی^۳

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد واحد ملارد

۲- نویسنده مسئول - استادیار دانشگاه آزاد واحد ملارد

۳- دانشجوی فوق دکترای روانشناسی دانشگاه تهران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم هیجانی در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و فرسودگی شغلی پرستاران بود. جامعه آماری مورد مطالعه شامل کلیه پرستاران زن شاغل در بیمارستان پارسین تهران بود. نمونه شامل ۱۱۰ بود که از طریق نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. روش پژوهش همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری بود. شرکت کنندگان، پرسشنامه‌های طرحواره‌های ناسازگار یانگ (فرم کوتاه ویراست سوم)، تنظیم هیجانی گراس و جان و فرسودگی شغلی مسلش و جکسون را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ و نرم‌افزار LISREL نسخه ۸/۷ تحلیل شدند. نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد: ارزیابی مجدد (تنظیم هیجانی) در رابطه بین «خود گردانی و عملکرد مختل» و «دیگر جهت مندی» با کاهش موفقیت فردی (فرسودگی شغلی پرستاران) نقش واسطه‌ای معنادار داشت. سرکوبی (تنظیم هیجانی) در رابطه بین «خود گردانی و عملکرد مختل» با خستگی عاطفی (فرسودگی شغلی پرستاران) نقش واسطه‌ای معنادار داشت. ارزیابی مجدد و سرکوبی (تنظیم هیجانی) در رابطه بین بقیه طرحواره‌ها و فرسودگی شغلی پرستاران نقش واسطه‌ای معنادار نداشت. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و فرسودگی شغلی یک رابطه خطی و ساده نیست و تنظیم هیجان در این رابطه نقش واسطه‌ای دارد.

واژه‌های کلیدی: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان، فرسودگی شغلی